

# باز خوانی حقوق بشر اسلامی

رضا صفری - دکتری تاریخ اسلام | دین‌مبین اسلام تأکید ویژه‌ای بر حقوق انسان و حفظ کرامت انسانی دارد. این موضوعی است که در سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم هم دیده می‌شود. بر اساس چنین بستری در اسلام است که نویسندگان، فلاسفه و شارحان در این موضوع به تالیفات گسترده‌ای پرداختند. این مباحث در منشور حقوق بشر اسلامی با دقت گنجانده شده است.

امروزه وقتی سخن از حقوق بشر به میان آورده می‌شود، چنان‌به‌ذهن متبادری می‌شود که حقوق بشر صرفاً برای غربی‌هاست و مردمان جوامع دیگر فاقد آن مقوله‌های حقوق بشر هستند. البته باید توجه داشت هنگامی که کشورهای غربی از قرون وسطی خود بیرون آمدند و قدم در مسیر نوزایی و رنسانس گذاشتند، تمام دنیای اطراف خود را در تمام شاخه‌ها با خود تطبیق می‌کردند. برای مثال غرب، تاریخ جهان را نه بر اساس ملل و سیر تطور، بلکه بر اساس محوریت غرب بررسی می‌کرد و گویند امروزه عصر نوزایی و رنسانس خود را تا دوره کشفیات و اختراعات مدیون میراث تمدنی اسلام بوده است.

## آموزه‌های مترقی اسلام

حدود ۱۴۰۰ سال قبل از این، حکومت‌ها برای بقایای خود و زیرسلطه قرار دادن دیگر حکومت‌ها و ملت‌ها به نزع می‌پرداختند، در یکی از دورترین نقاط فاقد تمدن و مدنیت، آیینی با نام اسلام سخنان ارزش‌هایی به میان آورد که در قرن ۲۱ هنوز دنیای مترقی غربی نتوانسته به پای آن آموزه‌ها برسد. بررسی آیه‌به‌آیه قرآن مجید نشان می‌دهد که انسان، کرامت انسانی و اخلاق او، حقوق بین‌امام و مامون، حقوق بین‌همسایگان، حقوق اقلیت‌ها در جامعه و... از دموکراتیک‌ترین نظام‌ها هم مترقی است. از آن جایی که موضوع حقوق بشر بر اساس قرآن به صورت مفصل در نوشته دیگری اشاره رفته در این نوشتار خودداری می‌کنیم. بررسی سیره حضرت رسول (ص) در دوران تبلیغ دین اسلام در مکه و به خصوص دوران ۱۰ ساله رهبری خود در مدینه بیانگر رویکرد وی در موضوعات مختلف حقوق انسانی است که مبتنی بر حفظ اصالت و شرافت انسانی، حفظ حقوق فردی، اجتماعی و... است. با آغاز تدوین فقه و اخلاق (دو رشته بسیار مهم از علوم اسلامی) که شکل جامع‌تر آن در قرون سوم و چهارم تجلی کرد، مباحث حقوق بشر در اسلام در کتاب‌های فقهی و اخلاقی این عصر همچون مسبوط شیخ طوسی به طور استدلالی مطرح و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. تحولات بعدی فقه را به‌ویژه در قرن‌های هفتم و هشتم هجری می‌توان در کتب فقهی چون مؤلفات محدث و علامه حلی جست‌وجو کرد و نیز در دوران شکوفایی فقه اسلامی در قرن‌های سیزدهم و چهارده هجری مسائل حقوق بشر در اسلام به‌صورت عمیق‌تر و روشن‌تر در لایه‌های طبقه‌بندی و موضوع‌بندی سنتی فقه در مباحث سیاسی فقه عنوان شد که در این میان می‌توان از آثار ارزشمند حضرت امام خمینی بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله شهیدمرتضی مطهری و علامه محمدتقی جعفری شارح منثوی و معنوی نام برد.

## حقوق بشر اسلامی

اعلامیه حقوق بشری که از سوی دولت‌های غربی مطرح شد، در برخی از موارد با اصول مسلم اسلام در تعارض بود. از این‌رو نه تنها از سوی دولت‌ها، بلکه از سوی گروه‌های کثیری از متفکران و اندیشمندان اسلامی مورد اعتراض قرار گرفت. در اعلامیه حقوق بشر غربی بر حق آزاد مذهب و حق آزاد برای تغییر دین تأکید شده بود؛ این مباحث موضوعاتی بود که از نگاه مسلمانان قابل‌پذیرش نبودند، چراکه اندیشمندان مسلمان، دین اسلام را به‌عنوان آخرین دین و تکمیل‌کننده همه ادیان آسمانی می‌شمردند و از سوی دیگر موضوع ارتداد در مذهب که در اعلامیه حقوق بشر غرب، آزاد اعلام شده بود، در اسلام با مجازات سختی مواجه می‌شد. اعتراضاتی که اندیشمندان مسلمان در موضوعات مشابه اعلامیه حقوق بشر غربی از خود نشان دادند موجب به راه‌انداختن جو تبلیغاتی بسیار سختی از سوی رسانه‌های غربی علیه اسلام و مسلمانان شد. در چنین فضایی بود که مسلمانان به این نتیجه رسیدند که باید اصول و قوانین حقوق بشر اسلامی را از منتهن اصلی از جمله قرآن، سیره پیامبر (ص) و متفکران اسلامی استخراج و به جامعه عرضه کرد و نشان داد که اصول اسلام در موضوعات مطرح‌شده نه تنها حقی از انسان را ضایع نمی‌کند، بلکه از اصول محکم و مترقی هم برخوردار است. در همین راستا، سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اسلامی در بین کشورهای اسلامی در طی چندین مرحله تلاش کرد تا سندی را به‌عنوان منشور حقوق بشر اسلامی تدوین کند. نخستین تلاش

در این راستا، طرح اعلامیه حقوق و تکالیف اساسی انسان در اسلام، در سال ۱۹۷۹ بود که در شهر مکه در عربستان به تصویب رسید. حدود ۹ سال بعد از نخستین سند، در سال ۱۹۸۸، طرح سندی در رابطه با حقوق بشر در اسلام در شهر طائف در عربستان به تصویب رسید. سومین و مهم‌ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی در



مدنی و ذمه مالی مستقل بوده و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد. (ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن از وظایف مرد می‌باشد. ماده هفتم: (الف) هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آنها مبدول شود. (ب) پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می‌خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی دارند. (ج) بر طبق احکام شرع، فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند. ماده هشتم: هر انسانی از لحاظ الزام و التزام، از یک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می‌گیرد. ماده نهم: (الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم نموده و متعوض بودن آن را به‌گونه‌ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به انسان فرصت

دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد. (ب) حق هر انسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و تمدنی انسان می‌نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند به‌گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود. ماده دهم: اسلام دین فطرت است و به‌کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به‌الحاد، جایز نمی‌باشد. ماده یازدهم: (الف) انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا دلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره‌کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی. (ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این‌که بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند، حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را

به او زیان رسانند و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حقی دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند، سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداش‌ها و ترفیحات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند، دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون این‌که به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید. ماده چهاردهم: انسان، حق دارد کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران و ربا شنیداً ممنوع می‌باشد. ماده پانزدهم: (الف) هر انسانی حق مالک‌شدن از راه‌های شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت به‌گونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

(ب) مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق شرع. ماده شانزدهم: هر انسانی حق دارد از ثمره دستاوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط بر این‌که آن دستاورد (اثر) معایر یا احکام شریعت نباشد.

ماده هجدهم: (الف) هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی به‌گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.

(ب) دولت و جامعه موظفانند که برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

(ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را بر آورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود، تضمین نماید.

ماده هجدهم: (الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.

(ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

(ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنان آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنانش را آواره نمود.

ماده نوزدهم: (الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.

(ب) مراجعه و پناه‌بردن به دادگاه، حقی است که برای همه تضمین شده است.

(ج) مسئولیت در اصل شخصی است.

(د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

(ه) متهم، بی‌گناه است تا این‌که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد.

ماده بیستیم: دستگیری یا محدودسازی آزادی یا تبعید یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به‌گونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت یا منافی حیثیت انسانی رفتار کرد.

همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر این‌که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنایی که به نفع اجراییه چنین اجازه‌ای را بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.

ماده بیست‌ویکم: گروگانگیری به هر شکل و به‌خاطر هر هدفی، ممنوع است.

ماده بیست‌ودوم: (الف) هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که معایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.

(ب) هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

(ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا مشتمت‌شدن جامعه یا زیان یا متلاشی‌شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

(د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. ماده بیست‌وسوم: (الف) ولایت، امرانی است که استبداد یا سوءاستفاده از آن شدیداً ممنوع است، زیرا حقوق اساسی از این‌راه تضمین می‌شود.

(ب) هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت نماید. همچنین او می‌تواند پست‌های عمومی را بر طبق احکام شریعت تصدیق شود. ماده بیست‌وچهارم: کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است.

ماده بیست‌وپنجم: شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه است.

## هر انسانی بر طبق شریعت برای انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت‌ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناهنده‌دهنده واجب است که با او مدارا کند

ماده هجدهم: هر انسانی از لحاظ الزام و التزام، از یک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می‌گیرد. ماده نهم: (الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم نموده و متعوض بودن آن را به‌گونه‌ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به انسان فرصت

دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد. (ب) حق هر انسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و تمدنی انسان می‌نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند به‌گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود. ماده دهم: اسلام دین فطرت است و به‌کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به‌الحاد، جایز نمی‌باشد. ماده یازدهم: (الف) انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا دلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره‌کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی. (ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این‌که بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند، حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را